**( 229 )**

**هو الابهی**

ای ناطق بثنای جمال مختار شکر جمال قیوم و سلطان ملک عزت قدیمه را که احبای باوفایش در این کشور فنا و اقلیم جفا از لانه و آشیانه گذشتند و قصد معارج بقا و رفارف ابهی نمودند از موج سراب چشم بستند و باوج رب الارباب شتافتند از خاک تیره جهان فانی گذشتند و بجهان نورانی و فضای روحانی آسمانی صعود نمودند این چه موهبت رب عزت است و این چه عنایت سلطان احدیت که موران ضعیف را بر سریر سلیمانی نشاندند و طفلان صغیر را عارفان ربانی نمودند نفوس امی را ادیب دبستان تبیان کردند و اشخاص بیسواد را واقف اسرار بیان نمودند و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و الحمد لله رب العالمین (ع ع)